



ژړوېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

معرفی و نقد کتاب



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

ماه در ایران از قدیمترین ایام تا ظهور اسلام.

نوشته: مهرانگیز صمدی (رجالی)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷.



کتاب ماه در ایران، از قدیمترین ایام تا ظهور اسلام اعتقادات و اساطیر مربوط به «ماه» را در ایران از حدود هزاره‌های چهارم و سوم پیش از میلاد مسیح تا ظهور اسلام مورد گفتگو قرار می‌دهد. خانم مهرانگیز صمدی (رجالی) با سبکی شیرین و روان از نقشهای باستانی و اسناد مکتوب سود جسته است تا تصویری از جزئیات مقام و موقعیت «ماه»، که در پیشگفتار آن را «داغ نقره‌ای سینه آسمان» می‌نامد، تصویر کند. انبوه آثار و نشانهای پراکنده، که گاهی با سماجت می‌کوشند تا راز خود را پنهان دارند، در این کتاب گردآمده‌اند و لطف کار در این است که نه تنها گاهگاهی ابیات شعری نثر را همراهی می‌کند و پیوند مطالب دیرینه و کهنگی دوردست آنها را با زمان حال و زندگانی بیان می‌دارد، بلکه اطلاعات سودمندی در زمینه فرهنگ و دینهای باستانی سرزمین ما به دست می‌دهد، که اغلب بیش از آنچه منحصر به توصیف ماه باشد برای خواننده عادی و علاقه‌مند و حتی دانشجوی نیازمند یادآوری، مفید است.

همانند همه تحقیقاتی که موضوعی ویژه دارند و در توده اخبار و اطلاعاتی معین و

محدود آن را جستجویی کنند، پژوهنده ماه هم حق انتخاب چندانی ندارد: تنها آزادی او جنگ زدن به هر جزئی خبر و اثری است که به مقصود دوردست و پرتو مهتابی آن بازگردد. در این نور کم‌رنگ، در چند هزاره و آفاق گسترده، طبعاً ابهامات بسیار در کار خواهد بود. نه تنها نویسنده اختیاری جز تنظیم مطالب یافته - یا فرضاً یافته - ندارد، بلکه مشکلات کار او اندک نیست. پیچیدگی و تعدد جنبه‌های گوناگون موضوع بر ابهام مسائل لاینحل تاریخ اساطیر ایرانی می‌افزاید و با آنکه نویسنده در نخستین فصل کتاب نظرگاه خود را با بیان کلیاتی آغازین درباره ادیان اولیه بیان می‌دارد و خواننده را به خواندن اطلاعاتی گوناگون و پراکنده درباره ماه و باورهایی متنوع پیرامون آن دعوت می‌کند، دشواریهای کار به خوبی آشکار می‌گردد.

نخستین دشواری به ناچار هنگامی پیش می‌آید که پیوند تاریخی میان نقوش بازمانده از هزاره‌های پیش از تاریخ سرزمین ما با مطالب و مضامین اوستا و کتابهای پهلوی مطرح می‌شود. توجیه و تبیین چگونگی پیوستاری اساطیر عتیق غیر آریایی، که نقوش هزاره‌های چهارم و سوم و نیز دوم و گاهی اول قبل از میلاد در ایران به آن باز می‌گردد، با مفاهیم دینی آریاییان مهاجر، که در آثار مکتوب برجای است، گره ناگشوده تاریخ اساطیر ایرانی است و در فصل دوم کتاب ماه در ایران با این معما روبرو هستیم. نویسنده تلاشی برای عنوان کردن مسئله و سخن گفتن از این حلقه گمشده نمی‌کند و خطر آن را پیش می‌آورد که خواننده ناآشنا ابهام را باز نشناسد و با برداشتی ساده و نادرست، تصور ماه را در نزد بومیان این خطه و آریاییان در تداوم ببیند. این گره احتمالاً بزودی باز نخواهد شد، اما بهتر بود که با طرح آن امکان گمراهی خواننده از میان می‌رفت.

فصلهای سوم تا پنجم به ماه در عصر هخامنشیان و سلوکیان و اشکانیان و ساسانیان می‌پردازد، و در فصول ششم تا نهم آنچه درباره ماه در گاتاها و یسنا و یشتها و دیگر بخشهای اوستا و کتابهای پهلوی هست می‌آید. فصلهای دهم تا دوازدهم با توجه به موضوع، مطالبی را مطرح می‌کند که عمدتاً برگرفته از همان منابع است و با عنوانهای روشنیهای آسمان و منازل قمر (فصل دهم)، ماه پایه (فصل یازدهم)، تأثیر ماه بر جزر و مد و رویش گیاهان و مخلوقات هر مزد (فصل دوازدهم) می‌آید. فصل سیزدهم، که عنوان آیین زروان دارد، عقایدی را پیرامون ماه بیان می‌کند که به نظرات زروانی باز می‌گردد و باورهایی مانند ایها را هم در این باب شرح می‌دهد. فصل چهاردهم به دین مانی و فصل پانزدهم به مهرپرستی اختصاص دارد. در سه فصل نخستین و نیز فصل پانزدهم طبعاً بیشتر نقوش و آثار باستانی و در دیگر فصلها اغلب آثار کتبی مورد نظر است، اما در فصل سوم که درباره

ماه در آثار هخامنشی سخن می‌رود، در پایان از نقش ماه بر درفش، چنانکه در شاهنامه فردوسی می‌آید، یاد می‌شود.

نویسنده کتاب ماه در ایران، به گواهی کتابنامه، قریب هشتاد کتاب و مقاله را بررسی کرده است. مع‌هذا، هم پراکندگی منابع و مآخذ و هم پیچیدگی مطلب، که ویژگی اساسی اسطوره است، راه را برای کار بیشتر باز می‌گذارد: مثلاً در فصل دوازدهم شایست ناشایست، که بند ۷ آن نقل شده است (ص ۱۰۳ کتاب)، در بندهای ۸ و ۹ از «ماه خدای» سخن است که از او می‌توان آیفْت و مراد خواست و برای برآورده شدن نیاز و حاجت نذر کرد و فدیة داد. این مورد آورده نشده است و این‌گونه جستجوییگمان به آسانی به پایان نخواهد رسید، بویژه آنکه از مفاهیمی گفتگوست که ابعاد پیچیده و جنبه‌های رنگارنگ دارد و بجاست که پیرامون هر کدام، از جهات مختلف و با مراجعه به مدارک اصلی بررسی شود. به عنوان مثال، صفت گوسفند تخمه و گاو چهره را برای ماه می‌توان یاد کرد: واژه اخیر در برابر آب چهره، زمین چهره، گیاه چهره می‌آید^۱ و جا دارد که این تقابل ذکر شود. در چنین کار دامنه‌دار و وسیعی طبعاً ناگفته بسیار است، اما در کتاب ماه در ایران يك نکته اصلی و مهم مسکوت مانده، و آن پنداشته‌های ایرانی پیرامون تأثیر ماه در سنجیدن زمان و چگونگی پیوستگی آن با تقسیم سال به دوازده بخش است، که هنوز هم هر يك از این دوازده را «يك ماه» می‌نامیم.

بازبینی دوباره و مستقیم منابع و مآخذ به خوبی می‌توانست کتاب را سودمندتر و برابرتر کند و اطلاعی روشنتر و کاملتر به دست دهد، هر چند که گستردگی کار شاید دشواری پدید می‌آورد. مثلاً، هنگامی که نویسنده گرامی، درباره پیوند ماه با «سوما» یا با املای بهتر: «سومه» - ی هندی، که همسنگ واژه «هومه» و همان «هوم» ایرانی است، خبر می‌دهد، هرگاه منابع سنسکریت یا اساطیرودایی هم دیده می‌شد، مطالب صفحه ۱۹ کتاب با صفحه ۱۴۵ آن ارتباط می‌یافت و نوشته‌های حاشیه به متن می‌آمد. مورد دیگر، ترجمه اصطلاح *pus-zāyišnih warzišnih* در فصل ۱۲، بند ۷ شایست ناشایست (ص ۱۰۳) به «درد زایمان» است که احتمالاً نویسنده کتاب ماه در ایران را نمی‌توان مسئول آن دانست. این ترکیب پهلوی ظاهراً صورت دیگری برای *pus - warzišnih*^۲ یا *pus-xwāhišnih*^۳ است. صورت اخیر یعنی «فرزندخواهی»، برگردان برای اصطلاح اوستایی *puθrō.īšti-*، و کنایه و بیان مؤدبانه و محترمانه برای نامیدن عملی است که به زادن فرزند منتهی می‌شود و بنا بر مندرجات دینکرد^۴، در اوستای زمان ساسانیان از رفتار آیینی و دینی درست درباره آن سخن در میان بوده است. در نزدیک زنی که درد زایمان

داشت، گویا افروختن آتش امری با ضرورت آیینی بود و در کنار نوزاد نیز تا سه شبانه روز می بایست آتش را روشن نگاه می داشتند^۵. بدین ترتیب، نور ستاره و ماه، و حتی خورشید برای تطهیر زایمان کافی شمرده نمی شد.

خطاهای مختصرتری هم هست که باید آنها را از نوع اشکالات آرایشی و ویرایشی کتاب گرفت، چه از سوی ویراستار و چه از سوی نویسنده. مثلاً در صفحه ۸۲ هر بورزادر متن «البرزه در حاشیه و نیز ص ۸۳ می آید، که اولی صورت پهلوی و دومی صورت فارسی کلمه است. همچنین راما و وهومن که شکل نوین آنها رام و بهمن است به هر دو شکل و بی نظم و ترتیب در کتاب آمده است. در مورد جفتهایی مانند زئوس و ذئوس (صفحه ۲۸ و ۲۹) و گرزمان و گروزمان (ص ۹۸، ۸۷) باید یکی را املا درست و دیگری را غلط چاپی دانست که در کنار هم آمده اند، ولی مواردی چون زند کستیک افزوتان (صفحه ۱۰۴) و پاتمانک کتک خواتیه (ص ۶۴) و پاتیت پشیمانیک (ص ۱۱۱) هم هست که صورتهای شگفتی برای «زند کشتی افزودن» و «پیمان کدخدایی» و «پت پشیمانی» است (این موارد را ویراستار می بایست تصحیح کند).

نویسنده که در پیشگفتار خود را «تازه کاری صرفاً علاقه مند» می خواند، در کار نوشتن دستی نیکو دارد. هر چند حقاً نمی توان انتظار داشت همه جوانب مسئله ظریفی چون نقش ماه در عقاید و اندیشه و هنر مردمی که در گروههای پراکنده، با تفکرات مستقل و گاه متناقض، در چند هزاره در سرزمینی پهناور با گذر حوادث سنگین تاریخی زیسته و آثاری اندک از خود برجای نهاده اند - یا ما هنوز همه آنها را به دست نیاورده ایم - در کتاب کوچکی یکباره شکافته و روشن شود؛ شیرینی سخن را باید هنری دانست که با یاری آن خانم صمدی دریچه دلگشایی به پرتوماه گشوده است. خواننده آسان کتاب را می خواند و آسانتر از آن، مطالب پراکنده و دلپذیر را، عاری از خشکی و سردی، در آن خواهد یافت؛ و امید می رود که عنوان کتاب طلیعه فرخنده ای در سرآغاز یک رشته بررسیهای آینده، مانند خورشید و آب و گل و جام و مارومی و... از قدیمترین ایام تا ظهور اسلام در ایران باشد، یا «ماه در ایران بعد از اسلام». جای همه این تحقیقات در ایران خالی است و هر نامتخصص «تازه کار و صرفاً علاقه مند» که پشتکار و شوق خود را بیازماید، به یاری خداوند، بسیار زود در کار خود ورزیدگی و مهارت بیشتری خواهد یافت و راهگشای منازل نوین در جاده آگاهی و دانش خواهد بود.

کتایون مزدپور

**** پی نوشتها و مأخذ:**

۱. احمد نفضلی (مترجم). مینوی خرد. چاپ دوم، تهران: توس، ۱۳۶۴، ص ۶۶.
2. D. M. Madan (ed.). *The Complete Text of the Pahlavi Dinkard*. Bombay: The Society For the Promotion of Researches into the Zoroastrian Religion, 1911, P. 746, ls. 3-4.
۳. «وندیداد و زندآن» فرگرد سوم، بند ۳۳، در:
Dastoo Hoshang Jamasp (ed.). *Vendidād, Avesta Text with Pahlavi Translation*. Bombay: Government Central Book Depot, 1907, vol. I, P. 85, Ls. 7,15
4. Dinkard, P. 746.
5. J. C. Tavadia (ed. and trans) *Šāyast-nē - Šāyast, A Pahlavi Text on Religious Customs*. Hamburg: Friederichsen, de Gruyter, 1930, pp. 132-133.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی